بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله جواب از ایرادیکه
بر عبارت ارشاد وارد آورده اند اینکه فرموده اند
و من چگونه این مطلب را بی موجب لازم موقوف بر کسی انم
یا بر کردن این خلق منکوس ثابت کنم جواب اینکه
هزار ده سال است در عقب جاهلیت گرفتار نه و بهوا
و هوس خود نشو و نما کرده اند بر خرافات نصیحت و حقوق
بیشتر و صدق و صفا ... اند ایشان را هم و در حق ایشان ...
جواب در همه هم آن بزرگوار در جواب بیانچه از فرموده
حق و صدق و مطابق واقع است ... دلیل صفحه
سطر بعد از همین عبارت فرموده اند و الحمد لله بازمانده
بسیارند در بین خالی از وجود اصحاب ایمانان بلیت هم طالب و ناصر دین حق مسئله ما که
و از این فرمایش ایشان لازم می آید در این مدت هزار
ده سال خلق همگی در حیرت و ضلالت بعضه باشند
بلکه در هر زمانی در قضایا خلق بذیرفته ... همه در
الهیه را که خلق نیست ... ایشان و خدا ... در خود را بنا

و اگر خود را واسطه حجتهای خود بخلق برسانیده و حجت خدا بالغه
بر خلق تمام است و از برای خلق بر خدا حجتی و عذری
خود ندارند و قال الله تعالی ان الله بالغ امره یعنی خداوند
رساننده است امر خود را و فرموده قل فلله
الحجة البالغة پس این رکن رابع هم یکی از امرهای الهی
است که بخلق رسانیده و یکی از حجتهای بالغه الهیه
و یکی از سنتهای مستمره قدیمه است و در هر عصری
تحقیق این فقره میشود سنة الله التی قد خلت
من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا و از روز اول
این تحقیق در میان خلق بوده و بالسان دلو بطور اجمال
رسیده و امروز شریعت تازه در میان خلق
احداث شده ... و اخبار کثیره این تحقیق
از آسمان بر خلق نازل شده و میثاق و عهد
بجمیع خلق خود گرفته و اختصاص بزمانی دون
... بعد بر تو معلوم خواهد شد مرحوم آقا ...

دور هر ... است و ان من امة الا خلا فیها نذیر
و ان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم
رسلهم بالبینات و بالزبر و بالکتاب المنیر
... اینکه در انها نذیری
از جانب خدا ... نیست پس
... پیغمبران
... حکمة
و در آیه دیگر در سوره
بالغة فما تغن النذر
یعنی حکمة خداوندی ...
و انذار نذیران ...
نبخشید و در آیه دیگر
و ما تغنی الآیات و
النذر عن قوم
لا یؤمنون ...
این آیه ...
که مراد از نذر ...
... دادم
... از غلبه ...
که انذار نذیران ...
... نداده
و در آیه دیگر در عالم ذر
لقد حق القول علی اکثرهم
فهم لا یؤمنون یعنی
... ایمان ...
... المؤمنین
خدا ... دلهای ایشان را مهر کرده

مقام بدان [نوعی از] دلیل این رکن را تفسیر نموده اند و جمیع این
ادله بتحقیق رسیده است و منحصر [تنها] بامر غیبا نباشد
و اما بزرگوار [حضرت] و مسیح این رکن غیبا باشد
نهایت اینکه این طبقه شرح و تفصیل داده اند و بعضی
العیاذ بالله ان بزرگوار مجیح این رکن ...
و مستند لدی ایشان باین ادله النقل و شهود ...
... بلکه بدعت [باطل] ضلالت بارزه سر اگوینه
و ما ... از لباب و سنه ثابت نشده باشد ... مجرد
برای عمل [محض] و هوای نفس باشد اما طبیعی باشد
ادلها ثابت باشد چگونه نسبت بدعت بان
صحیح و روا باشد اما اینکه تفسیر نموده اند در هر از
... در غیبت ... کرها ... مراد هم
خلق ... بلکه اکثری از خلق [از ان عصر] با این ...
که معرض از حق و منکر اولیا و دین ... اند و اوامر
و نواهی الهی را ... دانند از بذر
بابت آن فایده نمی بخشد در هر زمانی

و از جمله آن دلیل ... کتاب خدا ... محکمات
سنت ... صلی الله علیه و آله ... طاهره ... دلیل ... در
النفس ...

... قدیم ... ادله محکمه ...

و نسبت بدعت ... این رکن ... مرکب ... قول ... صلی الله علیه و آله ... زمانی ... که ... در هر ... و بدعت ... و چگونه ... که این زمان ... که خبر داده است مردم ... از آنها سؤال ... و آنها برای ... گمراه ... و گمراه ...

اکثر خلق بر ضلالت بوده‌اند و مؤمن در هر زمان بسیار اندک

حق تعالی فرموده و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوک عن

سبیل الله و ما یؤمن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون

و اکثرهم لا یعقلون و لکن اکثرهم لا یعلمون

و قال اکثرهم لا یشعرون و ان اکثرهم لکاذبون و لکن اکثر الناس

ثم مدح القلة بقوله و قلیل من عبادی الشکور و قال

و ما آمن معه الا قلیل و قلیل ما هم

الی غیر ذلک من الآیات و الاخبار و بالجمله خلق

... کان ... و ... در هر عصری

بسیار کم و مؤمنین بانها نهایت قلیل و کم بوده‌اند

خاصه در زمان غیبت امام عصر حضرت بقیة الله الحجة

منتظر صاحب الامر عجل الله فرجه و علیه صلوات ... و اختلاف

و این زمان اشد از سایر اوقات است و ظلمت ظلم

مخالفین عالم را تاریک کرده کما قال تعالی ظلمات بعضها

فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یراها

نعی

یعنی اذا اخرج المؤمن یده لم یکد یراها در زمان غیبت آنحضرت عالم پر خواهد شد از ظلم و جور دهر قدر که فرج نزدیک شود ظلمت عالم زیاد تر خواهد شد تا وقتیکه نور آنحضرت از افق غیبت طالع شود و این عالم بنور عدل منور شود فعلاً الارض قسطاً و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا بازی بدانکه اکثر خلق منکوس از زمان غیبت تا کنون معرض از حق و منکر اولیاء دین بجهه اینکه متبع هوا و هوس نفسانی خود هستند محل تامل و جای سخن نیست اگر کسی حال اکثر خلق زمان شود این مطلب را یقین خواهد کرد و عده بر اینکه از حالت اهل دنیا معلوم ملیدوید ضرار دنیا عالم در هم مجمه اجمع اکثر اهل حق خبر داده است در جائیکه فرموده ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن والانس لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم آذان لا یسمعون بها ولهم اعین لا یبصرون بها

دور حضری وارد است که آنحضرت فرمود که زمانی بر شما می آید مگر اینکه زمانی بعد از آن بدتر از زمان سابق باشد پس بیا برای حضرت طلب مردم درام و زمین از سابق بود طولانی و عمر دارد اینها از اقرب اولیاء دین تا یک جائیکه محرومین و معلوم

و معانی هم بامن ساکن این قلب که در این بیت ... حقی و بندی که جانب خدای ... بر حق ... محروم از ... جهت ... بند ... و این ... که ... بلکه در هر زمانی ... و دین ... و جهه ... ظاهرات ... تشد در ... طایفه ... مشهور ... و حجه خدا ... در هر زمان ... و ان منطبع ... ... منکر حق ...

اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون

وقال علیه السلام الناس کلهم ... ثم الا قلیل من المؤمنین

والمؤمن قلیل قلیل قلیل اعز من الکبریت ...

را ایشان ابن کثر ما ... حرم ... الی الله ... شوهای ...

واظهار دلیل ... لسان ... معاذ بر ... است — خلق مکوس مراد

ودا ... علیهم السلام ... دلهای ایشان ...

دکر ... ایشان ... آیات فقره

دعا اکثر ... فسر سوره ... الا مراسم یعقلون

ولامن ادلیاء تقبلون حکمة بالعمر فما تغنی الآیات

والنذر عن قوم لا یؤمنون یعنی این خلق مکوس

تعقل ... امر خدا را وازا ... خدا قبول

... حکمت ... اولخلق ... آیس

فایده ... آیتها ... نذر ... ایشان ...

ایمان نمی آورند شاهد بر این است و اعلیحضرت
هم فرموده خلق منکوس از اولیاء دین قبول
نمیکنند و آیات و پیغمبران و اوصیاء الهی فایده
ندارند نتیجه آن میشد ایمان نیاورند و این دلیل
و در هر عصری و قرنی نذیری که از جانب خدا آیند
در عالم هستند و امر خدا را بخلق میرسانند
ولکن خلق اکثر از آنها اعراض میکنند و آنها را
منکر میشوند پس از این جهت هم و علامت با آنها فایده
نمیدهد و مع ذالک حجت خدا بر خلق تمام است
و خلق معذور بجهالت و ضلالت خود نیستند و حجتی
بر خدا و نقصی در حکمت او وارد نمی آید پس مقصود
مضمون است این عبارت مرحوم آقا اینکه فرمایش
فرموده اند در این مدت این تکلیف بخلق نرسیده بود
دیگر شرح صحیح و صادق این است چنانچه بعضی

عامه این حکایت که اولیاء دین و انبیاء از جانب خداوند هستند
حال که خدا در کلام مجید خبر داده در جای سؤال
بل قالوا انا وجدنا آباءنا
على امة وانا على آثارهم مهتدون
وكذلك ما ارسلنا من قبلك
في قرية الا قال مترفوها
انا وجدنا آباءنا على امة
وانا على آثارهم مقتدون
نفس ... هر ... زمان ...
در هر زمانی ... ابرار ...
آنها ... را ... اکثر ...
واقع است ... منکوس
و از اعراض از خلق ...
و در کلام خدا است ...
... انا ...

گمان کرده‌اند که الهی [illegible] و ما انت بمسمع الصم الدعاء اذا
ولوا مدبرین و ما انت بهادی العمی عن ضلالتهم ان تسمع
الا من یؤمن بآیاتنا فهم مسلمون یعنی نتوانی
شنوانیدن [illegible] هر کس که ندای خود را در دعوت
[illegible] روز [illegible] و اعراض کنند و نمی‌توانی
هدایت کنی کور را از گمراهی و نمی‌شنوانی مگر کسی
را که ایمان آورده باشد با آیات ما و تسلیم کنند
در هر زمان خواه باشد [illegible] کسانی که تسلیم داشته باشند
[illegible] اولیاء دیگر از قول آنها گفته‌اند [illegible] تسلیم
در هر زمان خاصه این زمان قلیل‌اند و بعضی از
اخبار [illegible] مطلب ذکر شود [illegible]
ایمان محض لفظ و ادعاء [illegible] امتحان [illegible]
[illegible] از این [illegible]
تسلیم داشته باشند [illegible] را از دست [illegible]

دلیل

واین بزرگوار را [illegible]
[illegible] دانسته [illegible]
[illegible] دانسته‌اند
[illegible] تقیه
براین [illegible]
در [illegible] این آیت
[illegible]

دو دلیل بر اینکه حجتهای خدا در هر زمان اداء کرده اند این حجتها از
جانب خلق بسر برده اند و داشته اند بعضی ظاهر و در میان خلق بوده
و بعضی مستور و پنهان از اکثر خلق بوده در کار خود
حضرت امیر علیه السلام در وصیت به کمیل فرموده
خداوندا ... علم تمام ما به حجت ... و ماده های علم
قطع و بریده نمیشود و نمی زمین خود را خالی نمیکند ازین
از حجتهای خود بر خلق خود یا بطور ظاهر آشکار و مطاع
نیست و یا بطور پنهان و مستور است تا اینکه حجتهای تو
باطل نگردد و ... گمراه نشوند از راه حق
بعد از اینکه ایشان را هدایت کرده بلکه کجا هستند
ایشان ... نفر ... ایشان ... جماعت ...
ایشان کم است ... ایشان ... خداوند
... این حجتهای ... هستند ائمه اطهار
ما ... کنند ... جماعت ... مسند
با ذات ائمه خود ... میرسند ... در میان

استدلال ... فقد کذب الذین ... حاکمهم ... السلام ... کسانیکه ... در هر زمان ... بوده اند ... بوده اند ... در هر زمان ... بوده اند ... وضداوند ... محمد ... الا کانوا ... عنها معرضین ... در هر زمان ... حق ... خداوند

پس نزد این حالت عالم مشتبه بر حقیقت ایمان تا اینکه
بعد از وقوع ... صاف الامر خود علما را تابع ایشان
در حرکت باطل ... لله ... مشتبه و انتظار ... شوند
از برای حرکت حق خوش بحال ایشان بر صبر کردن
ایشان بر دین خود در حال جهل ایشان و تقیه
چه قدر مشتاق هستم بدیدن ایشان در حال ظهور دولت
ایشان و در روایت دیگر وارد است از حضرت
صادق ع که با ابان ابن تغلب فرمودند
چگونه است حال شما وقتی که در ... امتحان و ابتلا واقع
شود میانه دو مسجد پس علم بهم پیچیده شود چنانکه مار
در سوراخ خود پیچیده و میشود و شیعه اختلاف کنند
و بعضی از ایشان بعضی دیگر را کذاب می نامند و بعضی
تف بر روی بعضی می اندازند ابان می گوید
گفتم جعلت فداک در این زمان خیری نباشد

مقصود امام ع از این حدیثها این است که ... و جمله اسرار علوم آل محمد علیهم السلام ... و این جمله اسرار ... تمام ... باطنها و اسرار ... دیگر ... اقتضا ... مخالف و منکر ... و اسرار علوم را ... حق ... از ... سر ... الله ...

الکم

آنحضرت صلی الله علیه وآله مکرر فرمودند که تمام چیزها در این زمان
بحکم امثله انبیا علیهم السلام میشود ولی فرج حسینیه
باری در زمان غیبت حجة علیه السلام حق مخفی از خلق گشته
بحکم غلبه جهل وجهال در این زمان غلبه جور باطل در میان خلق
ظاهر است و حق مخفی تر شود در حرم بیت ...
در حالات دجله در دولت باطل جمیعا عبادت شود بطور
پنهانی چونکه دولت حق حجت نیست امروز دولت شیطان است
و دولت رحمان پس در دیگر اسرار مخفی باشد در دل
دولت شیطان است وچون آشکار شود دولت
رحمان ظاهر شود پس ظهور دولت حق بظهور آل محمد علیهم السلام

در وقت ظهور حضرت حجة امام عصر عجل الله فرجه
در آن وقت همه آشکار شود و حق مخفی نباشد
در اظهار کلمه حق در آن وقت دین اسلام
ظاهر شود بر جمیع دینها اگرچه مشرکان کراهت
داشته باشند

چنانکه در دعای افتتاح میخوانیم اللهم اظهر به دینک وسنة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق

و از همه اینها معلوم میشود که ظهور دین خدا وسنة پیغمبر در وقت ظهور آنحضرت خواهد بود و امروز دین
خدا از ترس خلق مخفی مانده است اکثر نمیتوانند متحمل آن بشوند

پس معلوم شود شکایتی که در این عبارت ارشاد است از آنها است
این است که اکثر خلق در زمان غیبت او اهل ادعای حق‌اند آنکه گروه
لکن حق‌جویی در صدد اطفاء نور فضایل ائمه علیهم السلام و فضایل شیعیان
ایشان میباشند دلیل همه اینها باین جهت میباشند که منکر آنها
اهل تسلیم و صاحبان انصاف و ایمانی قلیل میباشند
چون ذکر فضایل آل محمد میشود دلهای اینها خائف و لرزان
میشود و ایشان غیر از خلق منکر میباشند
و در عبارت ارشاد ذکر فرموده در تفسیر آیه شریفه
قد افلح المؤمنون در کافی از حضرت صادق علیه السلام
که مراد از مؤمنین تسلیم کنندگان میباشند
و تسلیم کنندگان نجبا میباشند
و در آیه شریفه وارد است فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم
ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما

در مسلمین

و از جمله فضایل نوریه که اکثر خلق نرسیده ... معرفت بنور انیت ... و دیگر معرفت بالحقیقت ... بنورانیت یعنی معرفت

[illegible]

و در عوض آنها ... و ابطال ... و منکر و ساقط ... و نجبا در هر زمان قلیل میباشند

[illegible]

ذکر مومن مسلمین و مؤمن عصر خاصه در این غیبت حجت علیه السلام تقلیل [illegible]

نموده و مسئله و این مسلم است و شکی در آن نیست

ما ری کاسعر [illegible] طالع [illegible] نوع شیعه [illegible]

امر محبت و تازه دعوی [illegible] دار [illegible] و لکشف

این امر با فی است و سعد حسن [illegible] و شقی من [illegible]

پس [illegible] امر تازه احداث کرده و نلفه اند

مکر انکه راه خدا دند در قرآن فرموده در نزول او اشاره خود

ذکر [illegible] و لعن الله من ابتدع فی الدین

ومن اکبر ما [illegible] الدین اللهم الف [illegible]

للعمر [illegible] للاله [illegible] و [illegible]

الا [illegible] [illegible] قریبا

مکتبه العلم الحکام ~~[illegible]~~ عبد الله الرحیم

فی لیلة السابع و العشرین من شهر رمضان المبارک

۱۳۱۴

در تأسیس مذهب [illegible]
انا [illegible]
قلیلون [illegible]
میشود تقلیل [illegible]
تأسیس [illegible]
در [illegible] عصری
[illegible]
ذکر مؤمن [illegible] عصر تقلیل

[illegible]
و [illegible] معصومین
خبر داده که [illegible]
بنی آدم را که خلق
خدا [illegible]
تغییر [illegible]
تعبیه و لای [illegible]
و [illegible]
را منکر میشوند
و مراد [illegible]
[illegible]
[illegible]
دانسته [illegible]
نیست

یعنی مراد از ولایت اولیاء الله و برائت از اعداء الله معروف شیعه امام علیه السلام

و شیخ مفید اعلی الله مقامه در کتاب مقنع این رکن را از اصول
دین و ایمان شمرده اند و این حقیر عبارت شریف ایشان را در کتاب
احقاق الحق در رد و بر فهرست مفتری همدانی نقل کرده و بعض
فیض کاشی در تفسیر صافی و وافی ادله این رکن را از اصول دین
دانسته اند و همچنین مرحوم میرزای قمی رحمة الله علیه نیز در مسئله
تجزی در اجتهاد معرفت عالم و فقیه را از اصول دین دانسته اند
و مقصود از استشهاد به این کلمات آن است که [illegible]
~~ولی این عبارت شریف~~
که مرحوم آقا اعلی الله مقامه ذکر فرموده اند مطلب تازه نبوده
و بدعت و ضلالت نیست چنانچه معاندین گمان کرده اند
و بدعت و ضلالت آن است که حکم خدا و رسول را
بی اصل و بی مأخذ باشد و مخصوص به [illegible] ما نیست و ما [illegible]
مطلب [illegible] نوع از دلیل است که در این [illegible] ذکر فرموده اند
مراد از این رکن تولا و تبرا معروف نوع شیعه امامیه است
چنانچه در [illegible] از [illegible] ذکر فرموده
در کتاب [illegible] که کتاب [illegible] مرحوم آقا اعلی الله مقامه
[illegible] فرموده اند [illegible] مراد ما از رکن اولیاء الله
و برائت از اعداء الله است و این تولا و تبرا رکنی از ارکان ایمان است

دیگر ما لک کلمهٔ لا اله الا الله است و توحید و نبوت و امامت
بلا ادراک این رکن فایده نمی دهد و شرط قبول این سه رکن
معرفت شیعه و ترک دشمنان است و در هر زمانی
امتحان خلق و تمیز خلص از غیر خلص بشناختن این رکن است
پس معلوم شود که این رکن رابع مطلب در حق بعض دشمنان
از حجت بنده نهایت یکجه با ظاهر و مشهور است یا مخالف
و مستور است و علما رسیدن است و رجوع و وجود معرفت
این رکن عقده و شیخ بزرگوار و اتباع او در این خصوص
بدعت احداث کرده بلکه شیخ به هدایت ائمه هدی
اقتدا کرده اند و این شکایت نیز از باب این است
و این تکلیف تازه نکنید زیرا که مسلم است که بدعت
ضلالت است و هر ضلالت راه آن بسوی آتش است و بدعت
در اصطلاح علماء ضرر را میگویند ما حضری از کتاب
و سنت معتبر در اینها باشد و در صدد تشخیص آن نمودن دین خود
و از رای خود نگرفته بلکه دین خود را از پدر و دیگر خود بگیرد
و فرقه ناجیه کسانی هستند که در دین خود برای خود عمل نکنند و طریقه ائمه
طاهرین را نبرده و از علم ایشان اقتباس کنند

[illegible]

و مهمن قد رأى زمانهم [illegible] شهيد [illegible] اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا و غيبة وليّنا و كثرة عدونا و قلة عددنا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علينا فصلّ على محمد و آله و عجّل فرجهم

که میرسند ایام [illegible]
رکن رابع [illegible]
شیعه آل محمد [illegible]
از پدران خود [illegible]
بردم وان شیخ [illegible]
[illegible]
[illegible]

کتبه السيد [illegible] في ليلة الثلاثاء [illegible] شهر رمضان المبارك

وقد حكى الله تعالى في ذم التقليد عن الكفار [illegible] واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله والى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعلمون شيئا ولا يهتدون

و چون [illegible]
[illegible] علم [illegible]
[illegible]
و اذا قیل لهم لا اله الا الله یستکبرون
[illegible]

[illegible] که در دل [illegible]
[illegible]
[illegible]
و حق با محمد و آل محمد [illegible]
[illegible]
که از ایشان روایت میکنند [illegible]
[illegible]
ما سمعنا بهذا في آبائنا الاولين [illegible]
[illegible] من الله هدى [illegible] الا ان الهدى هدى الله [illegible]
ضلالة [illegible]